

## واکاوی افراط‌گری دینی و نقش تعلیم و تربیت اسلامی در مهار آن

فرهاد رمضان زاده\*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۸

سید ابراهیم میرشاه جعفری\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۱

### چکیده

هدف اصلی این پژوهش واکاوی افراط‌گری دینی و نقش تعلیم و تربیت اسلامی در مهار آن می‌باشد. از نظر فلسفه و پارادایم حاکم بر پژوهش جزء پژوهش‌های کیفی و در پارادایم سازنده‌گرایی - تفسیری قرار داد. روش پژوهش حاضر از نوع تحلیل محتوای کیفی (کتابخانه‌ای) است. جامعه آماری پژوهش شامل پژوهش‌ها و اسناد موجود مرتبط در سایت‌های علمی می‌باشد. نمونه آماری تا رسیدن به اشباع نظری و استخراج مقوله‌های افراط‌گرایی دینی ادامه یافته است. ابزار پژوهش شامل تمامی اسناد و مدارکی است که در رابطه با افراط‌گرایی دینی و شیوه استفاده از آموزش‌های دینی در شکل‌گیری افراط‌گرایی وجود دارد (از طریق فیش برداری)، می‌باشد. روش تجزیه و تحلیل در پژوهش حاضر تحلیل مضمون است. در این روش از طریق تحلیل متون مورد نظر به صورت استقرائی، مؤلفه‌های تربیت مطلوب به منظور مهار افراط‌گرایی دینی تدوین گردید.

**کلیدواژگان:** افراط‌گری دینی، تعلیم و تربیت، کشورهای اسلامی، تحلیل محتوای کیفی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان).

farhad.ramezanzadeh2018@gmail.com

\*\* استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.

نویسنده مسئول: فرهاد رمضان زاده

## مقدمه

موضوع تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی در صدر موضوعات مهم بین‌المللی و منطقه‌ای در دوران معاصر است. فعالیت‌های تروریستی منسوب به گروه‌های افراطی مثل سازمان القاعده و یا گروه‌های هم‌سو با القاعده که پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و لشکرکشی ایالات متحده آمریکا و متحدان آن به کشورهایمانند افغانستان و عراق در جریان است، درگیری‌های خونین داخلی در کشورهایمانند پاکستان، عراق و اخیراً برخی حملات تروریستی علیه شهروندان بی‌گناه ایرانی در خاک عراق و یا شهرهای مرزی ایران، از مهم‌ترین مسائلی است که در صدر اخبار منطقه خاورمیانه و به ویژه کشورهای اسلامی قرار داشته و دارد. بدون تردید، گسترش تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی، به عنوان پدیده پیچیده دوران معاصر، علل و عوامل خود را دارد که در آثار و تألیفات متعدد مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است (Aghababayi, 2011: 185).

گروه‌های افراط‌گرای دینی نیز برای پیشبرد اهداف خود عمدتاً از احکام مربوط به جهاد استفاده می‌کنند (Varnk, 2009: 117). در این بین، روشن‌سازی و آگاهی‌بخشی گروه‌ها می‌تواند نقش جدی در مهار افراط‌گرایی داشته باشد. به عبارت دیگر از آنجا که برخی تروریست‌ها و افراط‌گرایان مذهبی، برای مشروعیت‌بخشی به رفتارهای خود و یا جلب حمایت و پشتیبانی مسلمانان، آموزه‌های اسلامی به ویژه احکام مرتبط با جهاد و یا نصوص مربوط به مبارزه با مظاهر فساد را محمل شرعی رفتار خود قرار می‌دهند (Aghababayi, 2011: 185). می‌توان از طریق تربیت خردورز و اعتدال در روش‌های زندگی آن‌ها، این پدیده را کنترل کرد. به هر حال به نظر می‌رسد که امروزه جوامع در تربیت دینی نسل‌ها، دچار اشتباهات فاحش شده‌اند؛ این را می‌توان رد پای از افراطی‌گرایی دینی دانست که نه تنها کشورهای اسلامی که کشورهای توسعه یافته غربی نیز روزانه از این پدیده رنگ می‌گیرند یا رنگ می‌بازد. پس از جنگ دوم جهانی در نیمه قرن بیستم، مبارزه با افراط‌گرایی پرهزینه‌ترین و پرتلفات‌ترین جنگ فرسایشی است که از شرق آسیا تا شمال و مرکز آفریقا امتداد یافته است. بهانه این جنگ هم مبارزه با افراط‌گرایی است که بزرگ‌ترین تهدید جهان پیشرفته امروز به حساب می‌آید، تهدیدی که در نزدش همه، غیر خودش، بیگانه و دشمن شناخته می‌شوند و باید نابود و سرکوب

شوند. اما این افراط‌گرایی، حتی دینی‌ترین‌اش، بیش‌تر انگیزه و محرک غیر دینی و سیاسی - اجتماعی دارد تا رنگ دینی و لذا مستلزم کند و کاو دقیق‌تر و همه‌جانبه از ابعاد سیاسی اجتماعی و اقتصادی است (Kaveh, 2014, 1).

از طرف دیگر بسیاری از پژوهش‌گران در حوزه افراط‌گرایی دینی همچون Nasr (2000)، Rashid (2000) و Varnk (2009) یکی از راه‌های ترویج افراط‌گرایی را شیوه‌های تربیتی در این گروه‌های مذهبی تندرو می‌دانند و گرچه معتقدند ممکن است در پشت افراط‌گرایی دینی عوامل متعدد سیاسی، منطقه‌ای یا اجتماعی نهفته باشد، اما یکی از راه‌های آماده‌سازی طرفداران خود برای افراطی‌گری، شیوه‌های تربیتی است که در برخی از مؤسسات آموزشی دینی به فراگیران ارائه می‌شود.

به عنوان مثال ورنک معتقد است که آموزشگاه‌هایی تحت عنوان مکتب (مدرسه) در افغانستان و پاکستان که با حمایت مالی کشورهای خاورمیانه مثل عربستان سعودی و کویت به خصوص بعد از دهه ۱۹۸۰ تأسیس و تغذیه می‌شوند، نقش چشم‌گیری را شکل‌دهی و تقویت افراط‌گرایی در منطقه و گسترش آن به کشورهای جنوب شرق آسیا داشته‌اند (Varnk, 2009, 112)، از این جهت است که تبیین افراط‌گرایی دینی و همچنین نقش تربیت اسلامی در مهار آن اهمیت می‌یابد. بر این اساس پژوهش حاضر بر آن است تا ضمن تبیین مفهوم افراط‌گرایی دینی و عوامل مؤثر بر آن، نقش تربیت اسلامی را در مهار این پدیده مورد بررسی قرار داده و در نهایت عناصر مطلوب آموزش‌های دینی برای مهار افراط‌گرایی دینی را ارائه دهد.

### روش پژوهش

از نظر فلسفه و پارادایم حاکم بر پژوهش حاضر، این پژوهش را می‌توان جزء پژوهش‌های کیفی و در پارادایم سازنده‌گرایی - تفسیری قرار داد. هدف پژوهش، کاربردی است که از طریق تعیین مؤلفه‌های افراط‌گرایی دینی و تدوین عناصر تربیت مطلوب برای مهار آن، مؤلفه‌های ضروری این نوع تربیت را به دست‌اندرکاران تربیتی ارائه می‌گردد. از لحاظ نوع داده‌های پژوهش، می‌توان آن را جزء داده‌های کیفی قلمداد کرد که از طریق ارائه آن در قالب مقولات کیفی استخراج شده است.

## مؤلفه‌های افراط‌گرایی دینی

### الف. اعمال خشونت علیه مخالفان یا دگراندیشان

خشونت‌گرایان برای رسیدن به اهداف خود، به ترور شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حامی دولت اقدام می‌کنند. افرادی چون *عزالدین سلیم*، رئیس پیشین شورای حکومتی عراق، *عقیله هاشمی* عضو این شورا و معاون وزیر خارجه دولت انتقالی *جعفری*، *ترور آیت‌الله حکیم* و بخش دیگر ترورها متوجه نیروهای درجه دوم، به ویژه نیروهای پلیس، روحانیون سرشناس شیعه و سنی، برخی اساتید دانشگاه بغداد، برخی اعضای کابینه دولت عراق به نخست‌وزیری *نوری المالکی* تجار و بازرگانان حامی دولت عراق و...، خشونت‌گرایان اسلامی رادیکال، به دلیل پیروی از قشری‌گری و سطحی‌نگری در مسائل اجتماعی - سیاسی، دائماً در بازه تولید تعریف خود غیریت‌سازی می‌کنند و پس از غیریت‌سازی خصمانه وجه سیاسی برای آن می‌تراشند و از رابطه تضاد و تقابل که نوعی بینش و منش حذف فیزیکی است، استفاده می‌برند. برای آنان فرقی نمی‌کند که در غیریت‌سازی نیروهای اشغال‌گر، بیگانه باشد یا مردم مسلمان شیعه عراق یا اهل سنت مخالف خشونت‌گرایی. در قوه مخیله آنان، حربه تکفیر با بهانه‌ای واهی، تنها ابزاری کاربردی برای حذف رقیب است. حریف عقیدتی، فرهنگی خود را به یک حریف سیاسی ستیزه‌جو تبدیل می‌کند تا بتواند در حفظ آرمان‌ها و ارزش‌های منفی خود که پنداری بیش نیست، جان و حیثیت خود را فدا کنند. به اعتقاد اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان جهان در اسلام جهاد وقتی واجب می‌شود که سرزمین‌های اسلامی مورد تهاجم و تهدید قرار گیرد. جهاد همچنین دارای قواعد خاص خود از جمله عدم کشتار غیر نظامیان است. تکفیری‌ها به هیچ کدام از این قواعد پای‌بند نیستند و کشتار مردم بی‌گناه را نیز مجاز می‌دانند. در واقع از نشانه‌های تندروی و افراط‌گری، درشتی در برخورد، خشونت در رفتار و تندی در دعوت است که بر خلاف رهنمودهای خدا و پیامبر اوست؛ زیرا خداوند به ما امر کرده، با فرزاندگی و اندرزهای نیکو به راه او دعوت کنیم و به بهترین شیوه با مخالفان به گفت‌وگو بنشینیم نه با بلاهت و تعبیرهای خشن:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل /

«با فرزاندگی و اندرزهای نیکو به سوی پروردگارت دعوت کن و به بهترین شیوه با مخالفین به گفت‌وگو بنشین»

نیز پیامبر(ص) را اینگونه وصف نموده است:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ (توبه/۱۲۸)

«قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است»

### ب. ثبات قوانین و الزام آن برای همه

یکی دیگر از نشانه‌های افراط‌گرایی دینی اصرار بر سختگیری و الزام همیشگی دیگران بر آن می‌باشد؛ در حالی که خداوند چنین تکلیفی را بر دوش کسی ننهاده است (موحد و همکاران، ۱۳۹۱). اگر چه مانعی ندارد شخص در پاره‌ای از مسائل بر خود سخت بگیرد و حتی در برخی موقعیت‌ها می‌تواند به خاطر احتیاط پرهیزگاری، مشقت سنگین‌تری را تحمل نماید، اما جایز نیست که این رویه سختگیرانه را در همه احوال و برای همیشه در پیش بگیرد به نحوی که اگر شرایط، تخفیفی ایجاد کرد و یا فرصت استفاده از رخصت برایش میسر شد، باز هم از پذیرش آن سر باز زند (قرضاوی، ۱۳۸۶). با اینکه رسول خدا(ص) فرموده‌اند: «یسروا ولا تعسروا، بشروا ولا تنفروا»: «آسان گیرید و سختگیری می‌کنید، نوید دهید و بیزار مگردانید».

یا می‌فرماید: «خداوند سهل‌گیری و رخصت را دوست دارد چنانکه گناه و سرکشی را نمی‌پسندد». خداوند در این باره نیز فرموده است:

﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ (بقره/ ۱۸۵)

«خداوند بر شما آسانی می‌خواهد نه مشقت و دشواری»

نیز راجع به سیره آن حضرت روایت شده که: «وما خیر رسول الله(ص) بین الأمرین إلا اختار أيسرهما، ما لم يكن اثماً»: «هیچ‌گاه رسول خدا میان پذیرش دو امر مختار نگردید، مگر که آسان‌ترین آن دو را برمی‌گزید مادام که (آن گزینش) گناه نمی‌بود».

شاید گاهی سخت‌گیری شخصی و عمل به عزیمت و چشم پوشی از رخصت، مقبول واقع شود، اما الزام همگان به ملزومات خود و مردم را- در امور دنیوی‌شان- در حرج و سخت‌گیری قرار دادن، به هیچ وجه و تحت هیچ شرایطی قابل توجیه نیست؛ چراکه بارزترین خصیصه رسول گرامی اسلام در کتب گذشتگان این است:

﴿وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾ (اعراف/۱۵۷)

«نعمت‌های پاکیزه را برای‌شان حلال و پلیدی‌ها را حرام می‌شمرد و قید و بندهایی (که خود بر خویش بسته‌اند) از ایشان برمی‌نهد و (و آزادشان می‌سازد)»

از این رو، پیامبر خدا(ص) همواره نمازهای فرادی را طولانی اقامه می‌کرد و حتی در نمازهای شبانه قیام را به حدی طول می‌داد که پاهایش متورم می‌شد و ترک برمی‌داشت. اما به هنگام جماعت، نماز را سریع به اتمام می‌رساند؛ زیرا به خوبی بر شرایط و موقعیت‌های زمانی و تفاوت مأمومین- از حیث توانایی- آگاه بود و خود در این باره فرموده‌اند: «إذا صلى احدكم بالناس فليخفف، فان فيهم الضعيف والسقيم والكبير، واذا صلى احدكم لنفسه فليطول ما يشاء»: «هر گاه یکی از شما برای مردم نماز جماعت بخواند، آن را کوتاه بخواند؛ زیرا در میان نمازگزاران افراد ناتوان، بیمار و سالخورده وجود دارد و هر گاه کسی منفرد نماز خواند، می‌تواند به هر اندازه که خواهد(نمازش را) طولانی اقامه کند».

یکی دیگر از سخت‌گیری‌ها در حق مردم، محاسبه قرار دادن آنان بر نوافل و مستحبات در حد فرایض و مؤاخذه نمودن بر مکروهات به اندازه محرمات است. در حالی که فرض بر این است ما مردم را جز به همان اندازه که خداوند ملزم‌شان کرده الزام ننماییم. چراکه آنان در قبول طاعات زاید بر فرایض مختارند. می‌توانند بین پذیرش و عدم پذیرش آن‌ها یکی را برگزینند.

حدیث *طلحه بن عبید الله* که در صحیح آمده ما را در این باره بسنده است. مردی بادیه نشین نزد پیامبر آمد و آن حضرت در مورد فرایض بر خویش سؤال نمود. پیامبر گرامی او را به اقامه نمازهای پنج‌گانه، پرداخت زکات و روزه ماه مبارک رمضان سفارش

کرد. آن مرد گفت: آیا به جز این‌ها چیز دیگری هست که به اداء آن ملزم باشیم؟ پیامبر فرمودند: «لا، الا ان تطوع»: «نه، مگر خود داوطلبانه به اقامه آن‌ها مایل باشی».

مرد بادیه نشین هنگام برگشت گفت: سوگند به خدا، به چیزی بر این فرایض می‌افزایم و نه چیزی از آن‌ها می‌کاهم. رسول خدا فرمودند: «قد افلح ان صدق او دخل الجنة ان صدق»: «رستگار شد اگر راست گفته باشد یا (فرمودند) وارد بهشت شد، اگر راست گفته باشد».

### ج. شرکت در بحث‌های افراط‌گرایانه و ترور شخصیت

این گروه‌ها با عقاید افراط‌گرایانه خود با افراد مختلف بحث کرده و دگراندیشان را به کلی خارج از دین می‌دانند. از این جهت شخصیت‌های غیر موافق با عقاید آنان در معرض ترور و تهدید و تکفیر قرار می‌گیرند.

### د. ایجاد رعب و وحشت در جامعه با ترور افراد، بمب‌گذاری و حمله به اماکن عمومی

پیدایی افراط‌گرایی اسلامی و کنش‌هایی مانند عملیات انتحاری و حملات تروریستی و... از مهم‌ترین دگرگونی‌های اسلام‌گرایی بوده که اینک به جریانی پر بسامد در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی بدل شده است. تشدید گرایش‌های سلفی و اقدامات افراطی مباحث نظری درباره اسلام سیاسی و ابعاد و ارزش‌های آن را بیش از گذشته دچار پریشانی مفهومی کرده است. در واقع متناظر با فرایند اجتماعی مبتنی بر اسلام‌هراسی در سطح مطالعاتی نیز اسلام و اسلام سیاسی با تمام تکثیر معرفتی، فقهی، فلسفی، رفتاری و... به جماعت سلفی افراطی فرو کاسته می‌شود. در حالی که اسلام سیاسی و حتی جریان سلفی دارای انواع و گوناگونی فراوانی هستند که ناشی از ریشه‌های تاریخی و مبانی هنجاری متفاوت در درون آن‌هاست.

### ح. ایجاد محدودیت در جامعه بدون در نظر گرفتن شرایط عمومی و حدود دین

اگر عوامل تکفیری و افراط‌گرا حکومت را در دست داشته باشند قوانینی وضع

می‌کنند که اجرای آن برای بسیاری از افراد مشکل خواهد بود. چنانکه می‌بینیم در کشورهای مانند عربستان، محدودیت‌های فراوانی برای زنان ایجاد شده است و برای مثال رانندگی زنان و درس خواندن آن‌ها و حضور در سیاست برای‌شان امکانپذیر نیست. افراط‌گرایی منحصر به این موارد نبوده است و با دقت در قوانین طالبان در افغانستان نیز وضعیت اسفبار مسلمانان را مشاهده می‌کنیم که اجرای حکم محکومین بدون محاکمه و بدون مراجعه به حکم تعزیری و شدت و ضعف قانونی آن انجام می‌گیرد. محدودیت قائل شدن برای نوع پوشش، رنگ‌های خاص، حضور در مجامع ورزشی، اختلاط زن و مرد در مجامع عمومی حتی با حجاب کامل از موارد این نوع افراط‌گرایی محسوب می‌شود.

### عوامل مؤثر بر افراط‌گرایی دینی در کشورهای اسلامی

برای پاسخ به این پرسش، به بررسی اعتقادات درونی افراط‌گرایان و همچنین مطالعه تاریخی دلایل افراط‌گرایی و رشد آن پرداخته شده است. در این روش اتکا به عقل و تحلیل آگاهانه و روان‌شناختی عملکرد افراد مورد نظر بوده است. از آنجا که این افراد خود را وابسته به دین می‌دانند ریشه‌های اعمال آن‌ها را باید در متون دینی و نقلی دنبال کرد. از سویی روند تاریخی نشان می‌دهد همواره افرادی با سوء استفاده از دین، سعی در حمایت از جریان افراط‌گرایی داشته، بدون اعتقاد به دین، برای رسیدن به اهداف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود، از این جریانات حمایت کرده یا خود بانی آن بوده‌اند. از این رو در این بخش مؤلفه‌های متفاوتی یافت شد که برخی اعتقادی درونی و برخی مبتنی بر سیاست است.

#### ۱. بنیادگرایی و جزم‌اندیشی صرف

با بررسی عملکرد و تفکرات گروه‌های تکفیری متوجه می‌شویم که اندیشه اصلی آن‌ها بنیادگرایی و جزم‌اندیشی است بدون ذره‌ای انحراف از اصولی که به آن باور دارند. بنیادهای ایجادشده در ذهن و فکر آن‌ها از اصول دین، قابل تغییر نیست. این افراد با تکیه بر اصل جهاد به عنوان یکی از قوانین تغییرناپذیر اسلام معتقدند در تمام زمان‌ها و مکان‌ها شرایط جهاد وجود دارد و تا زمانی که زمین از وجود کفار پاک نشده باید جهاد



کرد. از نظر بنیادگرایان اسلامی سکولاریسم یک انحراف از اصل و قاعده است و بازگشت به اصول و بنیادهای دینی مطابق جامعه اسلامی نخستین زمان پیامبر و خلفای چهارگانه یا خلفای راشدین بازگشت به اصل و قاعده است. ویژگی‌های مشترک جریان‌های بنیادگرا عبارت‌اند از تأکید بر عدم جدایی دین از سیاست، تأکید بر قرآن و سنت پیامبر، صحابه و نیز خلفای راشدین، فراتر رفتن از ارکان پنج‌گانه اسلام، و تأکید بر اصل جهاد به عنوان رکن ششم اسلام و تأکید بر برقراری عدالت اجتماعی.

## ۲. نص‌گرایی بدون توجه به سیره و روایات

یکی از دلایل افراط‌گرایی توجه صرف به نص قرآن و عدم توجه به متشابهات و شأن نزول آیات است. نص‌گرایی از قرون اولیه هجری رواج پیدا کرده و به افراط‌گرایان معاصر رسیده است. اینان آیات قرآن را با تفسیر به رأی بدون توجه به شرایط جامعه و پذیرش جمعی ملاک عمل می‌دانند و کوچک‌ترین انحراف از آن را موجب شرک و کفر می‌شمارند. به این ترتیب با توجه به فرقه‌های مختلف که هر یک دارای روش خاص تفسیر هستند عقاید مختلفی بروز می‌کند و هر یک، دیگری را نفی می‌کند. چنین می‌شود که در جوامع کنونی به جای وحدت دنیای اسلام، تفرقه و اختلاف بسیار به چشم می‌خورد. نص‌گرایی مختص مسلمانان نیست بلکه در میان مسیحیان نیز افراط‌گرایان به این وسیله متشبه شده، با ترفیع مقام علمای دینی خود تا حد مسیح، اطاعت بی‌قید و شرط از آن‌ها را که نمونه‌ای نص محسوب می‌شد فرض شمردند. رویکرد نص‌گرایانه به متون مقدس و تمایل به گرایش‌های خشونت‌طلبانه در پوشش آموزه‌های دینی از جمله عناصر مشترک میان مسیحیت و یهود به شمار می‌رود. هرچند عوامل متعددی نظیر انگیزه‌های سیاسی فرهنگی، قومیتی و... در افراط‌گرایی مذهبی و اعمال خشونت در دو طیف بنیادگرای مسیحی و سلفیه اسلامی نقش برجسته‌ای دارد. گرایش‌های جنگ افروزانه و ستیزه‌جویانه بنیادگرایان مسیحی محصول هم‌افزایی پیوند مبانی عقیدتی بنیادگرایی و سلطه‌طلبی سیاسی است که بر اثر نگرش‌های خاص موعودگرایانه توسط کشورهای هم‌چون ایالات متحده آمریکا ادامه می‌یابد. حمایت تمام عیار این جریان از رژیم صهیونیستی و تحمیل جنگ‌های متعدد در دهه‌های اخیر را که

با هدف اختلاف میان مسلمانان و تقویت جبهه اسرائیل انجام پذیرفته است می‌توان ناشی از باور به لزوم تحقق پیشگویی‌های کتاب مقدس در قاموس عقیدتی بنیادگرایی مسیحی برشمرد. این رویکرد که امروزه بیش‌تر با عناوینی چون صهیونیسم مسیحی شناخته می‌شود با رویکرد نص‌گرایانه خود به کتاب مقدس بر بازگشت‌گرایی یهودیان به سرزمین موعود و تحکیم نفوذ اسرائیل در جهان به عنوان یکی از مقدمات لازم برای شکل‌گیری حکومت مسیحایی تأکید می‌ورزد.

### ۳. عدم آشنایی افراط‌گرایان با اسلام اصیل

افراط‌گرایان غالباً پیرو سران خود هستند و از اسلام و اصول آن بی‌اطلاع‌اند چنانکه در پاسخگویی به دلیل کشتارهای خود دلایل منطقی ارائه نمی‌دهند و عملکرد خود را ارجاع به رهبران و خواسته آن‌ها می‌دهند. همانطور که نخبگان القاعده و گروه‌های خشونت‌گرا، چون تعاریف جعلی جدیدی از جهان معاصر و انسان عرضه می‌کنند، هر گاه پیروانی بیابند که به تعریف عرضه شده، متعهد باشند یک جنبش اجتماعی هرچند منحرف پدید می‌آید که به نظام اعتقادی واحدی معتقد بوده و معمولاً در شرایط تهی‌شدن زندگی از معنا، در زمینه‌ای از نارضایتی نسبت به محیط پیرامون پدید می‌آید و این نخبگان، دست به بسیج پیروان می‌زنند. میان پیروان و نخبگان خشونت‌گرا ارادت از نوع کنش عاطفی-ارزشی است. وجه مهم اندیشه کاریزما در آثار و بر تجدید سنت است. در این میان افرادی که ریشه خشونت در آن‌ها موجود است و استعداد مبارزه با نوع انسان به دلایل مذهبی را دارند به این گروه‌ها مایل شده، کورکورانه به اطاعت و عملیات تروریستی دست می‌زنند و کشته‌شدن در راه این اهداف را شهادت فرض می‌کنند.

### ۴. قدرت‌طلبی کشورهای غربی و فریب‌دادن مسلمانان برای ایجاد آشوب تحت

#### لوای دین

دین از جمله اسباب وحدت و یکی‌شدن آراء ملت‌ها در مبارزه با استعمار و تحدید بازار اقتصادی غرب است. قدرتمندانی که از این وحدت دچار غبن می‌شوند همواره در

پشت پرده مشغول توطئه‌چینی برای از هم پاشیدن قوای مذهبی بوده، ملت‌های مسلمان و دنیای مسیحیت را به طور محسوس اداره می‌کنند.

بیش‌ترین منفعت در جنگ‌های منطقه‌ای برای قدرتمندان به وجود می‌آید که دلیل آن فروش سلاح و توسعه بازار اقتصادی تسلیحاتی غرب است. بحث سلفی‌ها بحث فقیر و غنی نیست، بحث آن‌ها این نیست که یک عده‌ای محروم هستند و باید شکم‌شان سیر شود. چنانکه بحث آن‌ها آزادی و استقلال هم نیست. بحث آن‌ها مسأله جهاد با دشمن است. البته تعریف دشمن در این جمله و تعیین مصادیق آن متفاوت است. اینکه مسأله اصلی سلفی‌ها، جهاد است، به دلیل این است که زاد و بوم آن در افغانستان بوده، آن هم زمانی که جنگ علیه روس‌ها در جریان بوده است. بعد از آن سعودی بوده که مرکز تسلط آمریکا در منطقه و محل پایگاه‌های آمریکا در این کشور است. دولتی که وابسته به آمریکاست.

در چنین شرایطی القاعده و سلفیه جهادی رشد کرده و از دایره یک اعتقاد به یک ایدئولوژی سیاسی تبدیل شده است. بعداً هم در یمن یا هر نقطه دیگر، هدف‌اش مبارزه با خارجی‌ها و وابستگان به خارجی‌ها بوده است. سعودی‌ها با فشار امنیتی و احتمالاً قول و قرارهای زیاد با سران القاعده، توانستند آن‌ها را قانع کنند تا در سعودی دست به اقدامی نزنند. اما حرکت آن‌ها حتی در مناطق تحت سلطه روس یا چین هم، همین بحث بوده است.

نفوذ سلفی‌گری در اروپا بیش‌تر برای کمک به سلفی‌های جهادی عرب یا افغانی و غیره بوده است نه اینکه در آنجا مسأله‌ای وجود داشته است. در مجموع، پیدایش سلفی‌گری، در چارچوب این شرایط بوده و تا وقتی که تسلط غرب و نوع مداخلات آن به همین شکل ادامه داشته باشد، القاعده، فلسفه وجودی خواهد داشت، هرچند افراط بیش از حد در آن، آن را دچار بحران خواهد کرد.

همچنان که واکنش انگلیس در برابر بیداری سیاسی افغانان کمک آن به بنیادگذاری حکومتی نیرومند و سخت خودکامه در افغانستان بود تا از رهگذر از میان بردن همه گونه آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در آن کشور بهتر بتواند به خواست‌های استعماری خویش دست بیابد.

## ۵. اختلاف نظر در باب ویژگی‌های حکومت اسلامی

در واقع مفهوم اسلام سیاسی محصول تفاوت نهادن میان اسلام به عنوان هویت و اسلام به عنوان مذهب و اسلام به مثابه ایدئولوژی سیاسی است (Kaks & Marks, 2003: 5). به همین علت جان اسپوزیتو نیز مفهوم اسلام سیاسی را در عام‌ترین شکل آن یعنی «احیا یا تجدید حیات مذهبی در زندگی خصوصی و عمومی» تعریف می‌کند (Ansari, 2008: 6). زمانی که حکومت بر اساس دین تشکیل می‌شود اگر سردمداران حکومت افرادی افراط‌گرا باشند دین تبدیل می‌شود به عامل سیاسی برای سرکوب مخالفان. این روند با تشدید قدرت‌طلبی و توجیه عملکرد دولت‌ها بر اساس مصالح، به وضع قوانینی می‌انجامد که به زیان مخالفان این حکام خواهد بود و در نتیجه تنش‌هایی به وجود خواهد آورد که به خشونت می‌گراید.

## ۶. بحران هویت

منطقه خاورمیانه به دلیل ویژگی‌های تاریخی خود از جمله عدم وجود دموکراسی، حضور حکومت‌های اقتدارگرا، دولت‌های شکست خورده، چالش‌های دولت‌سازی و ملت‌سازی، وجود فقر، بی‌سوادی و به طور کلی عدم توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و مداخلات قدرت‌های خارجی از جمله ترسیم نقشه‌های سیاسی ساختگی، هدایت کودتاها و متوقف کردن روند دموکراسی‌سازی، وابسته کردن امنیتی حکومت‌ها، تحمیل سیاست‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی وابسته، هدایت جنگ‌ها و... از وجود جو بی‌اعتمادی و سوء ظن و احساس تهدید دولت‌ها و ملت‌ها از یکدیگر رنج می‌برد. در حال حاضر این بی‌اعتمادی در سه سطح وجود دارد: نخست در سطح ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف، از جمله شیعه و سنی، ترک و کرد، فارس و عرب، دوم در سطح روابط میان دولت‌ها و ملت‌های منطقه که به نوعی به بی‌اعتمادی و عدم مشروعیت دولت‌ها در نزد ملت‌ها برمی‌گردد و سوم در سطح روابط دولت‌های منطقه به نوعی که کم‌تر می‌تواند دولت دوست و متحد در سطح منطقه پیدا کرد. بنابراین شرایط و ویژگی‌های منطقه خاورمیانه به گونه‌ای است که بسترها و زمینه‌های لازم را برای گسترش تروریسم جدید فراهم کرده است.

### مؤلفه‌های تعلیم و تربیت مطلوب در مهار افراط‌گرایی

برای پاسخ به این پرسش، علاوه بر روش کتابخانه‌ای و تحلیل تاریخ، از روش عقل‌گرایی به همراه تحلیل رفتاری و شخصیتی استفاده شده است. در این روش با استفاده از سیره پیامبر و ائمه و رفتار مسلمانان صدر اسلام، متوجه شدیم که جنبه‌های افراط‌گرایانه در این دوران کمرنگ‌تر بوده و حمایتی از سوی بزرگان دین انجام نگرفته است. از سویی در اسلام به تعلیم و تربیت اهمیت فراوان داده شده و در متون ادبی نیز به اصلاح و تربیت در دوران کودکی اهمیت فراوان داده شده است. بنابراین بینش عقل‌گرایانه در این مسیر راهنما بوده است که می‌توان با درس گرفتن از تاریخ و نشان دادن خط درست به نتیجه رسید. بر این اساس مؤلفه‌های تعلیم و تربیت اسلامی عبارت‌اند از:

#### الف. تعلیم و تربیت صحیح کودکان از ابتدا و قرار دادن آن‌ها در مسیر

##### درست دین

از نظر اسلام هرگونه گرایشی به سوی افراط و تفریط به معنای خروج از جاده حقیقت و حقانیت و رهسپاری در بیراهه هیبوط و سقوط فردی و اجتماعی است، لذا در همه حوزه‌ها از جمله سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجراست که تضمین‌کننده منافع عموم باشد و به ایجاد توازن‌های ساختاری در وجوه مختلف نظام سیاسی یاری رساند. بر اساس این یک نظام سیاسی باید در مسیر اعتدال‌گرایی و میانه‌روی حرکت کند و از افراط و تفریط دوری گزیند تا به نظام شایسته اسلامی نزدیک شود. در بحث صلح در آیات قرآن دیدیم که دین اسلام به صلح اهمیت زیادی داده و توصیه‌اش به سلم و آشتی بیش از جنگ و جهاد است. همچنین ایجاد امنیت در جوامع اسلامی از پیامدهای صلح محسوب می‌شود. در صورتی که کودکان از ابتدا در معرض آیات صلح قرار گیرند و لزوم امنیت در جامعه اسلامی برای پیشرفت علمی و عملی تبیین گردد، بنیادگرایی به شکلی دیگر بروز کرده تعالیم الهی در روح و جان آن‌ها نفوذ می‌کند. در حالی که اگر بالعکس از ابتدا به خشونت و جنگ و جهاد بیش از آنچه ضروری جامعه است بها داده شود تبلیغ خشونت شده و استعداد بالقوه در آن‌ها در بزرگسالی بالفعل بروز می‌کند و نتایج فاجعه‌آمیزی به بار می‌آورد. چنانکه دیدیم از عوامل مهم افراط‌گرایی عدم آشنایی با

تعالیم اصیل اسلامی بود و این مسأله بر عهده آموزش و پرورش کشورهای اسلامی است. از جمله این آموزش‌ها باید ایجاد روحیه صلح با سایر کشورها حتی کشورهای غیر مسلمان باشد به طوری که باید دانست تا زمانی که غیر مسلمانان تهدیدی محسوب نشوند نمی‌توان با آن‌ها جهاد کرد بلکه باید با آن‌ها در تعامل و صلح زندگی کرد.

### ب. آموزش آموزه‌های اسلامی و روش تساهل در تسامح در سیره ائمه

مطهری یکی از عوامل رشد علمی جامعه مسلمین را همین نوع از «تساهل و تسامح» توسط مسلمانان می‌داند که اجازه می‌داد تا اندیشمندان اهل کتاب به راحتی وارد جامعه اسلامی شوند و مسلمین هم مقدم آنان را گرامی می‌شمردند و لذا در همان عصر اول، معلومات این‌ها را از ایشان گرفتند و در عصر دوم، خود مسلمین در رأس جامعه علمی، قرار گرفتند. در صدر اسلام سیره پیامبر نشان می‌دهد از اعمال افراط‌گرا دوری جسته و هیچ‌گاه با غیر مسلمانان و کفار برخورد خارج از قاعده نداشتند مگر در زمان جنگ که خشونت طبیعی است. اما هنگامی که کفار تهدیدی محسوب نمی‌شوند چه در زمان پیامبر چه پس از آن در سیره بزرگان نشانه‌های افراط‌گرایی دیده نمی‌شود و در سیره رضوی می‌بینیم که افراد با دین‌های مختلف به مناظره حاضر می‌شوند و با کمال ادب در صلح و آرامش با هم گفت‌وگو و مباحثه می‌کنند. زندگانی ائمه اطهار علیهم السلام پر است از «تساهل و تسامح دینی» چه تسامح و تساهلی بالاتر از اینکه در حکومت علی(ع) در حقوق شهروندی و انسانی هیچ فرقی بین یک مؤمن و یک یهودی وجود ندارد. شمشیر عدالت علی(ع) همانقدر که برای احقاق حقوق یک شهروند مؤمن و مسلمان و شیعه برآن است، درست، همان مقدار برای گرفتن حق یک شهروند یهودی به کار گرفته می‌شود. غیر مسلمانان در حکومت علی(ع) با آسایش تمام زندگی می‌کنند و در مواقع لزوم، علی(ع) را به محکمه می‌کشاند و پیروز از محکمه خارج می‌شوند، بدون اینکه کم‌ترین ترسی به خود راه بدهند.

### ج. آشنایی با تعالیم عرفانی و مثبت‌اندیشی و محبت به غیر

عرفان اسلامی با تکیه بر بنیاد فکری توحیدی و باور به خالقیت خداوند یکتا

مهم‌ترین گام را در تنظیم روابط انسان‌ها برداشته است. در این جهان‌بینی، وحدت و اساس نگرش انسان به جهان است. باور به این مسأله روابط انسان را در زندگی فردی و اجتماعی به عمل بر مقتضای آن سوق می‌دهد. وحدت به تعبیری نقطه شروع و نقطه پایانی است که تمام حیطه‌های کارکرد آدمی و همچنین گرایش‌های او را در عرصه‌های گوناگون هدایت می‌کند. به همین دلیل می‌تواند نقشی مهم در جلوگیری از بروز جنگ و خشونت داشته باشد. با توجه به این امر، عرفان اسلامی راهنمای سالکانی است که بر مبنای کرامت انسانی گام برداشته و به ندای وحدت گوش سپرده‌اند. بر این اساس متن مقدس نیز فلسفه سیاسی خود را بر مبنای حفظ صلح و سلم طراحی کرده است و پیروان‌اش را به دار السلام فرا می‌خواند:

﴿والله يدعوا الى السلام ويهدى من يشاء الى صراط مستقيم﴾

«و خداوند به سرای صلح و سلامت دعوت می‌کند و هر کس را بخواهد به

راه راست هدایت می‌کند»

بنا بر تعالیم عرفانی چنانچه در جامعه‌ای روابط انسان‌ها بر پایه تعالیم وحدت تنظیم شود بسیاری از جنگ و ستیزها پیش نخواهد آمد. مگر آنکه به جای ایده توحید محوری نفسانیات انسانی وارد شود و خود محوری مبنای ارتباطات انسانی قرار گیرد. در این صورت آدمیان از هدف بودن به وسیله تبدیل می‌شوند و برای رسیدن به اهداف دیگران به کار گرفته می‌شوند.

**د. برجسته‌کردن حوادث تلخ تاریخی که در اثر افراط‌گرایی اتفاق افتاده است**

در طول تاریخ مذهبی، جنگ‌های بسیاری اتفاق افتاده که زیرساخت فکری آن‌ها تعصبات بیجا بوده است، چنانکه خوارج را که از گروه‌های نص‌گرای افراطی هستند در برابر امام علی می‌بینیم. غیر از آن در دوره حمله مغول بسیاری از صدمات در شهرها ناشی از اختلاف داخلی شیعه و سنی و افراط‌گرایی آن‌ها و اختلاف بر سر مسائل مذهبی بوده است. اینگونه حقایق تاریخی اگر به همراه شرح علل و عوامل آن و آثارش در کلی تاریخ گنجانده شود می‌تواند در جلوگیری از رشد عوامل افراط‌گری مؤثر واقع شود.

### هـ. عدم سختگیری حکومت‌های اسلامی در احکام دینی

از تفسیر مطهری اینگونه می‌توان برداشت کرد که حوزه «تساهل و تسامح» دینی، تکالیف دینی می‌باشد بنابراین بحثی درون دینی است نه بیرون دینی، لذا در جایی که تکلیف الهی بر بندگان وجود ندارد بحث از این نوع «تساهل و تسامح» دینی بی‌معناست. معنای «تساهل و تسامح» دینی آن است که در امر دینداری می‌توان در مواردی، به حداقل‌های دینی که کم‌ترین مشقت را برای دینداران در پی داشته باشد بسنده کرد و مردم را در رعایت حد اکثرها اجبار ننمود زیرا خداوند هم از عموم بندگان همان حد اقل‌ها (واجبات) را خواسته و رعایت حد اکثرها (مستحبات) را به بندگان خاص واگذار کرده است. حداقل نماز که همان صورت ظاهری نماز است و حداقل روزه که همان به جا نیوردن مبطلات ظاهری روزه است برای رفع تکلیف نزد خداوند کفایت می‌کند و باقی تکالیف دینی نیز چنین است. در صورت ایجاد تساهل در دین، روحیه افراط‌گری در جامعه پدید نمی‌آید و برخی افراد که تحت تأثیر فرامین و قوانین بلا نقض حکومت اسلامی قرار دارند وقتی با ایجاد تساهل از سوی حکومت، پشتوانه‌ای نداشته باشند امکان برخوردهای فیزیکی با مخالفان را پیدا نمی‌کنند.

### و. گرایش کشورهای اسلامی به مؤلفه‌هایی چون وحدت، عشق، نوع دوستی

ایجاد سازمانی که در برابر گروه‌های افراطی قد علم کند و با عضوگیری و ایجاد تشکیلات قوی، در تمام دنیا صلح و دوستی و نظریه یکی بودن همه انسان‌ها را ارائه دهد در دراز مدت می‌تواند از نفوذ سلفی‌گری بکاهد. در دنیای کنونی، هر فرقه‌ای دارای دسته و گروه‌هایی است که غیر از خود دیگری را قبول ندارد و این چند پارگی موجب عدم وحدت و گسیختن جامعه اسلامی شده است. جمع کردن همه نیروهای مسلمان در یک تشکل قوی بدون در نظر گرفتن اختلافات مذهبی می‌تواند بمب‌بسی تأثیرگذار باشد در برابر گروهک‌های سلفی حتی گروه بزرگی مانند داعش که اعضای آن افراد بی‌سواد و بدون مطالعه و بدون اعتقاد خاصی هستند که کورکورانه به دستورات بنیادگرایان عمل می‌کنند.



## ز. ایجاد تمایل در نسل جوان برای مطالعه در زمینه‌های مختلف و شناخت همه‌جانبه نسبت به دین و سیاست

در حال حاضر نسل جوان از مطالعه فاصله گرفته بیش‌تر تحت‌تأثیر دنیای مجازی و اخبار غیر واقعی قرار دارند از سویی مسایل اقتصادی و روانی دوره معاصر اثر منفی بر جوانان گذاشته، و مطالعه، تحقیق و تدقیق در دین را از آن‌ها گرفته است. مهم‌ترین کار حکومت اسلامی این است که بتواند با حل بسیاری از معضلات موجود، میان مردم و کتاب آشتی ایجاد کند به ویژه با پر رنگ نمودن نقش صلح و دوستی در اسلام و آموزش هدف ادیان، از پیوستن جوانان به این نوع گروه‌ها جلوگیری کند.

### نتیجه بحث

برای پاسخ به پرسش‌ها، طبق متدولوژی کیفی تحلیلی، عملکرد افراط‌گرایان مورد تحلیل قرار گرفت و مشخص شد اغلب فرقه‌های افراط‌گرا دارای روش‌های یکسانی در تعامل با سایرین هستند. افراط‌گرایی امروزین در دنیا بیش‌تر معلول سیاست‌های قدرت‌طلبانه است که از آن پشتیبانی می‌کند نه دین‌مداری محض. نقش تعلیم و تربیت اسلامی در آنجا مشخص می‌شود که اگر افراد تحت تأثیر تعالیم قرآن و سیره ائمه قرار بگیرند فریب فرقه‌های کذایی را نخورده و طبق تعالیم الهی که کیس بودن مؤمن و دانش همه جانبه را تأکید می‌کند، به تفکر شوم ابر قدرت‌ها نیز آشنا شده با سنجیدن جوانب امر، در دام آن‌ها نمی‌افتند در تبیین این یافته می‌توان گفت که افراط‌گرایی دینی مقوله‌ای تازه نیست و مربوط به یک دین خاص هم نیست. از ابتدای پیدایش ادیان، همواره کژنگری‌ها و کژبینی‌ها در دین انحراف ایجاد کرده است. پدیده نص‌نگری و بنیادگرایی، در میان عده‌ای از مسیحیان، یهودیان و مسلمانان، یکی از دلایل مهم پدید آمدن فرقه‌های افراط‌گراست. یهود با مراجعه به کتاب مقدس، خود را از همه اقوام برتر دانسته برای رسیدن به سرزمین موعود با سایر ملل درگیر شده که نتیجه‌اش جنگ‌های متعدد در طول تاریخ و سرانجام اشغال فلسطین و پدیداری دولت صهیونیستی است. مسیحیان با وجود رفتار مسالمت‌آمیز مسلمانان در هنگام فتح اندلس و پس از آن، با نص‌گرایی و حاکم کردن کلیسا دوره تاریک هزار ساله قرون وسطی را پدید آوردند.

نتیجه حاکمیت کلیسا برای دنیای غرب، خروج از تعادل و رویگردانی از علم و دانش و تسلط کامل پاپ بود. این تفکر معلول یک تحریف تاریخی بزرگ است مبنی بر اینکه یهود میوه ممنوعه‌ای که خدا انسان را از آن منع کرده، علم دانسته است. این تفکر در دین مسیحی نیز که طرفدارانش از میان یهود بودند رسوخ کرده موجب این شد که کلیسا به کلی علم و دانش را هدف قرار دهد. در این دوره دانشمندان مورد تهاجم و قتل واقع شدند و اروپا در جهل و تاریکی باقی ماند. در قرون پنجم و ششم هجری که کشورهای اسلامی دارای شکوفایی علمی بودند با درگرفتن جنگ‌های صلیبی و آشنایی اروپائیان با اسلام، متوجه شدند که کلیسا و پاپ موجب عقب ماندن آن‌ها از قافله علم شده‌اند. *مارتین لوتر* در این زمان آغازگر نهضتی بود که منجر به کنار گذاشتن کلیسا و به حاشیه بردن دین شد. از این پس، اروپا راه رشد را پیمود و در دین دچار رکود شد. آن سو در سرزمین‌های اسلامی طوفان مغول بر پا شد و با سوزاندن کتابخانه‌ها و کشتار دانشمندان و خرابی شهرها موجبات رکود دانش را در این کشورها فراهم کرد. این رویه با رواج صوفی‌گری ادامه پیدا کرد و روحیه انزوا و کناره‌گیری از دنیا و افکار انحرافی به سرعت رشد کرد. نتیجه این وقایع این بود که در دوره‌ی قاجار آشنایی ایرانیان با دنیای غرب و پیشرفت‌های مهم آن این توهم را ایجاد کرد که عامل پسرفت ایرانیان دین است. این وقایع در طول دوران‌ها پدید آمد و در ارتباط با دنیای غرب و قدرت گرفتن برخی کشورها، جریان‌های افراطی را موجب شد که از دست رفتن دین را بهانه‌ای برای بازگشت به نص و بنیادگرایی بدانند. در این پژوهش چنانکه در متن نشان دادیم از صدر اسلام، کم و بیش جریان‌های نص‌گرایی و بنیادگرا وجود داشته و پیوسته جنگ‌های افراد فرقه‌های مختلف اعم از شیعه و سنی و جنگ ادیان به طور پراکنده به وقوع پیوسته است اما در دوره‌های اخیر این حوادث بیش‌تر جلوه می‌کند که از دلایل مهم آن می‌توان به وجود ابرقدرت‌ها اشاره کرد. پیدایش طالبان در افغانستان و حمایت پشت پرده دول غربی از آن نشان‌گر توطئه استکبار جهانی برای خشن جلوه دادن به ویژه دین اسلام بوده و از این طریق اهداف خود را در کشورهای اسلامی پیاده کرده‌اند. جنبش‌هایی چون القاعده در سوریه و داعش در ترکیه و بسیاری جنبش‌های کوچک و بزرگ که از آن‌ها یاد شد اغلب تحت‌تأثیر سیاست‌های برون‌مرزی بوده که اعضای پایین

دست از وجود آن بی‌خبر و تنها با توجه به عقاید قلبی خود به آن گرویده‌اند. این افراد به دلیل ایمان قوی به کاری که انجام می‌دهند انعطاف‌پذیر نبوده هر جنایتی را نسبت به کسانی که تشخیص الحاد بدهند انجام می‌دهند و به ثواب اخروی آن معتقدند. در برابر این افراط‌گرایی، با مراجعه به نص صریح قرآن، توصیه به مسالمت و دوستی را به وضوح در آیات قرآن مشاهده می‌کنیم و می‌بینیم که در کنار آیات جهاد که در شرایط خاصی نازل شده آیات صلح هم در شرایط عادی و زمانی که سرزمین اسلامی مورد حمله واقع نشده وجود دارد. سیره ائمه و فرمایشات/امام علی(ع) در نهج البلاغه نیز چنین نشان می‌دهد که اسلام دین خشونت و تفتیش عقاید نیست بلکه به مراعات دوستی و حقوق سایر مردم سفارش کرده است.

فتوحات اولیه در سرزمین‌های غیر اسلامی نیز این رویه را تأیید می‌کند. در سیره مذهبی ائمه نیز/امام صادق(ع) و/امام رضا(ع) را می‌بینیم که کلاس درس و بحث داشته با افراد مخالف به مناظره و بحث منطقی می‌پرداختند و بدون تنش با هم صحبت می‌کردند. در سیره و کلام هیچ یک از اهل بیت کلامی مبنی بر تهاجم به مخالفان و تشکیل گروه‌های جهادی وجود ندارد مگر در مواردی که سرزمین اسلامی مورد هجوم واقع شده باشد. با توجه به این موضوع، راه رسیدن به صلح دوستی و دوری از افراط‌گرایی، توجه به تربیت و اصلاح کودکان از ابتدا و دور کردن آن‌ها از تفکرات متحجرانه است به طوری که متوجه زمان و مکان گردیده هر آیه جهادی را مطابق با روز نپندارند. تاجرگرایی ریشه افراط است و فاصله گرفتن از این تفکر را در کودکی می‌توان در مدارس آموزش داد. مذهب و فرهنگ مذهبی یکی از عوامل پیشگیری از ورود فرهنگ مصرفی و غرب‌گرایی است. آگاهی افراد مذهبی از مسایل اقتصاد جهانی و روش‌های جذب سرمایه‌داری می‌تواند عامل مهمی در گرایش به دیدگاه معتدل باشد. با تبیین نقش ابرقدرت‌ها در جنبش‌های اخیر خاورمیانه و پشتیبانی از سوی آن‌ها به سادگی می‌توان فهمید اقتصاد دنیا بستگی فراوانی به درگیری‌های منطقه دارد از سویی فروش تسلیحات که عمدتاً در این کشورها تولید می‌شود موجب رونق اقتصادی است و از سوی دیگر با خشن جلوه‌دادن دین و مذهب و روگردانی دینی، فرهنگ غربی وارد کشورها شده بازار داغ اقتصادی را به ارمغان می‌آورد. یکی از روش‌های کارآمد در

آموزش صلح و دوستی، گرایش به عرفان است. در تفکر عرفانی با گرایش به وحدت وجود و یکی دانستن همه کائنات، می‌توانیم به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در کنار همه مردم که ذره‌ای از وجود خدا هستند دست یابیم. این باور که هرچه در دنیا هست از خدا جدا نیست و تحت لوای او قرار دارد، یکی بودن و محبت به هم‌نوع را به دنبال دارد. در عرفان چه از نوع اسلامی و چه از نوع بودایی‌اش سلم و دوستی با کائنات، سریان عشق در همه موجودات از تفکرات پایه‌ای است و به خودی خود مهر و الفت را دردل پدید می‌آورد.



## کتابنامه

- ابراهیم‌نژاد، محمد. ۱۳۹۳ش، داعش، دولت اسلامی عراق و شام و تحلیل و بررسی تاریخ و افکار، قم: دارالاعلام لمدرسة اهل البيت.
- ابراهیمی، نبی‌الله. ۱۳۹۲ش، نوسلفی‌گری و جهانی شدن امنیت خاورمیانه، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ابن اثیر. بی تا، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، قاهره: بی تا.
- ابن اثیر. بی تا، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: چاپ افست.
- ابن تیمیه. بی تا، *منهاج السنة النبویة*، ریاض: بی تا.
- ابن جوزی، ابی الفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد. بی تا، *المنتظم*، به تصحیح نعیم زرزورف بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن. ۱۳۷۹ش، *مقدمه ابن خلدون*، محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن تیمیه. بی تا، *مجموع الفتاوی*، بی جا: بی تا.
- ابن جوزی. بی تا، *تلبیس ابلیس*، بیروت: بی تا.
- جعفری، محمد تقی. ۱۳۷۷ش، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، ج ۲۱، چاپ دوم، مشهد: آستان قدس رضوی.
- جعفریان، رسول. ۱۳۸۱ش، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، تهران: انصاریان.
- حتی، فیلیف. ۱۳۴۴ش، *تاریخ عرب*، ابوالقاسم پاینده، تبریز: انتشارات حقیقت.
- حسن‌زاده آملی، حسن. بی تا، *تکمله منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه (خوبی)*، جلد‌های ۱۸-۲۱، بی جا: نشر انوار الهدی.
- رسولی محلاتی، سید هاشم. ۱۳۷۴ش، *زندگی امیر المؤمنین علیه السلام*، بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سید قطب. ۱۳۵۱ش، *ادعاینامه‌ای علیه تمدن غرب و دورنمایی از رسالت اسلام*، ترجمه سید علی خامنه‌ای و سید هادی خامنه‌ای، چ ۳، مشهد: چاپخانه طوس.
- الویری، محسن. ۱۳۸۴ش، *شیعیان از سقوط بغداد تا ظهور صفویه*، تهران: دانشگاه امام صادق.
- هوشنگی، حسین و احمد پاکت‌چی. ۱۳۹۰ش، *بنیادگرایی و سلفیه: بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- یدالله امیدی. ۱۳۹۰ش، *القاعده تاریخچه پیدایش، مبانی فکری و عملکرد آن*، چاپ اول، بی جا: بی تا.

## کتب انگلیسی

Baqai, H. (2011), "Extremism and Fundamentalism: Linkages to Terrorism, Pakistan's Perspective," International Journal of Humanities and Social Sciences, Vol. 1, No. 6, 241-248.

Dulles, A. 2003, "Fundamentalism" in: New Catholic Encyclopedia, v.6.

Kydd, A., & Walter, B. F. (2002), "Sabotaging the Peace: The Politics of Extremist Violence," International Organization, Vol. 56, No. 2, 263-296.

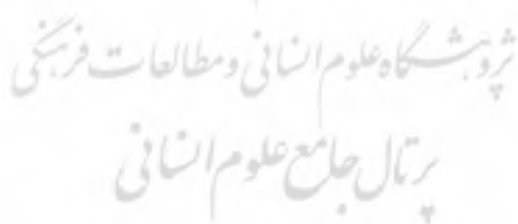
Lindsey, Hal (1989), The Road to Holocaust

## مقالات

ابن خلدون، عبدالرحمن. ۱۳۷۹ش، «نظریه معرفت شناسی»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۷، شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۲۶۰-۲۷۵.

شفائی، حسین. ۱۳۷۶ش، «بحران افغانستان و اهداف حامیان طالبان»، سراج، سال سوم، ش ۱۲، صص ۳۱-۴۷.

عظیمزاده، جعفر و شهزاد شهوند. ۱۳۹۱ش، «حضور نیروهای نظامی خارجی در افغانستان و گسترش افراط‌گرایی فرقه‌ای در پاکستان»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، شماره ۵، صص ۴۴-۷۱.



## **A Survey on Religious Extremism and the Role of Islamic Education in its Controlling**

**Farhad Ramezan Zadeh**

PhD Candidate, Education Philosophy, Islamic Azad University, Khorasgan Branch

**Seyyed Ibrahim Mirshaah Jafaria**

Assistant Professor, Education Science, Isfahan University

### **Abstract**

The main goal of the present research is to study religious extremism and the role of Islamic education in controlling it. This type of research classifies in qualitative and in the sub – field of interpretative – structuralism paradigm from philosophy and paradigm viewpoint. The method of the research is qualitative content analysis (librarian). The statistical population includes existing related researches and documents in scientific websites. Statistical sample is continued to achieve theoretical saturation and finding religious extremism issues. Tools of research are all documents and deeds which are related to religious extremism and guidance of applying religious learnings in forming extremism (by taking notes). Thematic analysis is the analytical method of this research. The desirable education elements are compiled by analyzing related contexts by inductive reasoning.

**Keywords:** religious extremism, education, Islamic countries, qualitative content analysis.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی